

بررسی عوامل مؤثر بر گرایش نوجوانان به الگوهای فرهنگ غربی؛ (مطالعه موردی: نوجوانان و جوانان شاهد و ایثارگر استان آذربایجان غربی)

* شهرام واحدی

E-mail: vahedi117@yahoo.com

** علیرضا محمدی آریا

E-mail: mohammadiarya@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۲/۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۲/۱۱

چکیده

هدف تحقیق حاضر، شناخت و بررسی میزان گرایش به الگوهای فرهنگ غربی در بین نوجوانان شاهد و ایثارگر استان آذربایجان غربی است. از بین کلیه دانش‌آموزان خانواده‌های شاهد و ایثارگر ۱۵ الی ۱۹ ساله (۲۱۴۵۰۱۲ نفر)، ۲۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند. روش تحقیق حاضر از نوع پیمایشی است و گردآوری داده‌ها به وسیله پرسشنامه انجام شده است. نتایج تحلیل رگرسیون به روش گام‌به‌گام نشان‌دهنده چهار مرحله معنی‌دار در پیش‌بینی گرایش به الگوهای فرهنگ غربی است. در نخستین مرحله، استفاده از رسانه داخلی بیشترین رابطه را با متغیر ملاک، و در مرحله دوم، استفاده از رادیوی داخلی و میزان از خودبیگانگی بالاترین میزان گرایش به الگوهای غربی را نشان دادند. در سومین مرحله، مجموع استفاده از رادیوی داخلی، از خودبیگانگی، پایبندی به مذهب و میزان صمیمیت والدین ۵۱ درصد واریانس متغیر وابسته را پیش‌بینی کرد. در مرحله آخر، چهار متغیر (استفاده از رادیوی داخلی، از خودبیگانگی، پایبندی به مذهب، میزان صمیمیت والدین و حضور در هیئت‌های مذهبی و مداحی) دارای بیشترین توان پیش‌بینی‌کنندگی متغیر وابسته بود.

کلید واژه‌ها: از خودبیگانگی، غرب‌گرایی، نوجوانان، الگوهای رفتاری غربی.

۱. این مقاله برگرفته از پژوهشی با عنوان «بررسی منابع الگوپذیری فرزندان ایثارگران از بعد خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در استان آذربایجان غربی» است که در سال ۱۳۸۴ با حمایت‌های معنوی و مادی معاونت پژوهش و ارتباطات فرهنگی بنیاد شهید و امور ایثارگران استان آذربایجان غربی انجام شده است.

* دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه تبریز، نویسنده مسئول

** استادیار دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی شهر تهران

مقدمه

فرهنگ در تداوم حیات جامعه و هدایت اعضای آن نقش اصلی و عمده‌ای ایفا می‌کند. در واقع فرهنگ، روح جامعه است. به قول کیس «فرهنگ، نقشه زندگی مردم است». بدیهی است جامعه‌ای که توان ترسیم درست این نقشه را ندارد یا به هر دلیلی آن را از دست داده است، با مسائل حاد فرهنگی روبه‌رو می‌شود و دچار ضعف و ازهم‌گسیختگی می‌شود و جهات مختلف زندگی اجتماعی و فردی در گرد و غبار زمان فرو می‌رود. امام خمینی (ره) در مورد اهمیت این مسئله می‌فرماید: «تا ما از آن غرب‌زدگی درنیاییم و مغزمان را عوض نکنیم و خودمان را نشناسیم، نمی‌توانیم مستقل باشیم، نمی‌توانیم هیچ داشته باشیم» (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۵). در حالت کلی به نظر می‌رسد جامعه ما تا حدودی در چنین وضعیتی قرار دارد و همین امر موجب شده طی چند سال اخیر، محافل رسمی و غیررسمی توجه خاصی به مسائل فرهنگی نشان دهند (طالبی، ۱۳۷۸: ۲۰۰).

ما در عصر انقلاب ارتباطات قرار داریم؛ عصری که در آن دهکده جهانی مک‌لوهان تحقق یافته است. نتایج «دهکده جهانی» کوچک شدن دنیا و پیدایش تعلق جهانی داده‌های خبری و حوزه انتشار و پیدایش همسایگی در بین ملت‌ها، مانند همسایه‌های دیوار به دیوار است. به علت تماس مستقیم و غیرمستقیم افراد جوامع مختلف، انسان‌ها به‌سادگی در برابر الگوهای فرهنگی مختلف قرار می‌گیرند. در عصر انقلاب ارتباطات و حاکمیت ماهواره، قدرت‌های برتر اقتصادی و تکنولوژیکی، فرهنگ خود را به سراسر دنیا انتقال می‌دهند. در حال حاضر، آرایش کلی ارتباطات در سطح جهانی و وسایل تکنولوژیکی توزیع‌کننده این اطلاعات، با خود ارزش‌ها، آداب و رسوم و نهادهای فرهنگ مسلط غربی را توزیع می‌کنند (مسعودی‌فر، ۱۳۷۲: ۱۴).

مهاجمان فرهنگی مسائل و مفاهیم مورد نظر خود را به تدریج از طریق وسایل و ابزارهای گوناگونی از قبیل نشریات، اینترنت، رادیو، تلویزیون، سینما، روزنامه، ویدئو، ماهواره، پوستر و عکس ترویج می‌کنند (افتخاری، ۱۳۷۷: ۱۹۰؛ جاودانی شاهین، ۱۳۸۷). کشورهای مهاجم ابتدا الگوی تولید و توزیع و سپس کل اقتصاد و فرهنگ جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ به طوری که تداوم وضع موجود تقریباً بدون هیچ‌گونه فشار و اجباری صورت می‌گیرد. حتی با شعارهای تبلیغاتی فرهنگ بیگانه که روی لباس‌ها نقش بسته، کودکان ما از همان ابتدا می‌آموزند که باید از فرهنگ خود، تولید خود، خط و زبان خود احساس حقارت و شرم کنند؛ می‌آموزند که حروف خارجی خوب و

قشنگ هستند و همه چیزهای خارجی بهتر از داخلی است و این بزرگ‌ترین ظلمی است که در حق کودکان و نوجوانان صورت می‌گیرد (جاودانی شاهدین، ۱۳۸۷).

فرهنگ عاملی هویت‌بخش برای هر ملت است که اگر به‌درستی مورد توجه قرار نگیرد، کشورهای استعمارگر از راه‌های مختلف در جهت تضعیف فرهنگ آن جامعه سرمایه‌گذاری می‌کند. غرب برای مهار انقلاب اسلامی، با سودجویی از تجربه تاریخی خود، به انحراف کشاندن جوانان را به منزله یکی از اهداف راهبردی خویش به‌شدت دنبال می‌کند. یکی از برنامه‌های دقیق و بلندمدتی که غرب برای نیل به این مقصود طرح‌ریزی کرده، سودجویی از عملکرد گروه‌های ضد فرهنگ (مانند پانک، رپ، هوی متال، متالیکا و...) است که زیر پوشش شعارهای فریبنده در صدد خشونت، ابتذال جنسی، اعتیاد، پوچ‌گرایی و موارد مشابه آن در کشور ما هستند. شکی نیست، تحقق این مسئله ضمن جداسازی مرجع ارزشی بسیاری از جوانان ما از ارزش‌های خودی و پیوند دادن آنها به گروه‌های ضد فرهنگ، به سر درگم کردن بسیاری از جوانان و در نهایت ایجاد ارتشی آزادی‌بخش از نیروهای معارض نظام، در بطن خود نظام می‌انجامید (منطقی، ۱۳۷۸: ۲۴۰).

توسعه و پیشرفت هر کشوری مرهون نیروهای کارآمد و متخصص است و بدون آنها امکان تغییر و تحول اجتماعی مشکل است. با عنایت به اینکه جوانان به طور عام و فرزندان شهدا و ایثارگران به طور خاص موتور محرک انقلاب و نیروی انسانی بالقوه برای پیشرفت کشور به حساب می‌آیند، حضور یا نبودشان در صحنه‌های مختلف اجتماع می‌تواند در چگونگی توسعه کشورها بسیار مؤثر باشد.

یکی از نیازهای درونی و فطری انسان در دوره نوجوانی الگوجویی است. در این دوره، تغییرات عمده‌ای در رشد اجتماعی (هویت‌یابی) صورت می‌گیرد. در واقع نوجوان به دنبال پاسخ گفتن به پرسش‌های «من کیستم؟»، «به کجا می‌روم؟» است. بنای هویت سالم در جریان عبور از مراحل رشد روانی - اجتماعی و همانندسازی با والدین سالم یا جانشین‌های آنان ساخته می‌شود (کاپلان، ۱۳۷۱: ۵۲). اریکسون معتقد است اگر نوجوان نتواند خود را بشناسد و از دیگران جدا سازد دچار عدم اعتماد و سرخوردگی و ابهام در نقش خود می‌شود. در این صورت، جوان در آستانه ورود به دنیای مقابل خود می‌بهد و مانده و نمی‌داند کیست و چه کسی خواهد شد. متأسفانه بی‌تفاوتی بعضی از خانواده‌ها، مدارس و اجتماع، فرزندان نوجوان ما را در وضع اسفباری قرار می‌دهد (عالی، ۱۳۷۶: ۱۵)؛ لذا در صورت عدم ارائه الگویی صحیح، زمینه را برای تقلید از الگوهای بیگانه فراهم می‌کند.

فرزندان خانواده‌های شهدا به دلیل محرومیت از پدر، نسبت به سایرین، مشکلات روان‌شناختی بیشتری را تجربه می‌کنند. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهند بین عدم حضور والدین یا یکی از آنها و ناهنجاری‌ها و مشکلات روانی فرزندان رابطه مثبتی وجود دارد. کودکان شاهد نیز که از فقدان پدر رنج می‌برند، احساسات و عواطف ناخوشایند خود نسبت به این موضوع را با واکنش‌های نابهنجار مانند افسردگی، پرخاشگری، اضطراب و... نشان می‌دهند. به عنوان مثال، معلوم شده که در مقایسه با فرزندان غیرشاهد از اضطراب (ایزدفر، ۱۳۸۰: ۳ و روشن، ۱۳۶۹: ۳) و افسردگی (ایزدفر، ۱۳۸۰: ۳؛ قنبری، ۱۳۷۴: ۳ و حبیبی‌نیا، ۱۳۷۴: ۳) بیشتری رنج می‌برند و از لحاظ خودپنداره (محمدیون، ۱۳۷۵: ۳) در سطح پایین‌تری قرار دارند. این مشکلات تا اندازه زیادی ناشی از خلأ عاطفی - تربیتی ناشی از نبود پدر در خانواده‌های این کودکان و نوجوانان است که به نظر می‌رسد زمینه‌گرایی‌های ناهنجاری را در برخی از آنها تقویت می‌کند.

تحقیقات نشان می‌دهد نهادهای فرهنگی، رسانه‌ها، گروه‌های مرجع، و جنسیت به صورت مستقیم و امور جهت‌دارتر مدرسه‌ای، سن و پایگاه اقتصادی - اجتماعی به صورت غیرمستقیم در پذیرش سلسله‌مراتب ارزش‌ها تأثیر دارند (سعادت، ۱۳۷۵: ۳).

برخی از پژوهش‌ها نیز حکایت از این دارند که عواملی از قبیل فقدان ارائه هنجارهای فرهنگی به فرزندان از سوی والدین، دوستان ناباب، عدم جایگزینی الگوهای مثبت از سوی معلمان، استفاده از رسانه‌های جمعی غیررسمی، و عمل نکردن مسئولان مدارس به وظایف خوئند در امر اصلاح و نظارت بر دانش‌آموزان سبب شده‌اند تا آنان به جای سرمشق‌گیری از الگوهای داخلی جامعه اسلامی به سوی الگوهای غربی گرایش پیدا کنند (مهرعلی، ۱۳۷۶: ۳). علاوه بر این، نوری (۱۳۷۳: ۴۹) در مورد پدیده تهاجم فرهنگی از جوانان نظرسنجی‌ای به عمل آورده است. نتایج حاصل شده نشان‌دهنده این است که دانشجویان، جوانان مملکت‌مان را در برابر تهاجم فرهنگی بیش از سایر گروه‌ها آسیب‌پذیر و بی‌دفاع احساس می‌کنند. شرکت‌کنندگان، آگاهی کافی و آماده نبودن جوانان مملکت برای ارزشیابی عقاید خود و دیگران (۴۳ درصد) و نبود امکان بحث و انتقاد و دادن نظرات موافق و مخالف برای جوانان در محیط خانوادگی (۴۳ درصد) را بیش از سایر دلایل آسیب‌پذیری احتمالی جوانان مملکت در مقابل تهاجم فرهنگی، مؤثر دانسته‌اند. به نظر می‌رسد استان آذربایجان غربی با توجه به موقعیت مرزی، بیشتر از سایر مناطق تحت تأثیر عوامل مهاجم فرهنگ غرب قرار گرفته

باشد. برخی تحقیقات نشان می‌دهند بین مرزنشینی و سطح گرایش به مظاهر فرهنگ غرب با احتمال ۹۵ درصد، رابطه معنی‌داری وجود دارد (حسن‌پور، ۱۳۷۵: ۲).

پرسش تحقیق

پرسش اصلی تحقیق این است که آیا ضعف ساختارهای اجتماعی و فرهنگی در تبیین گرایش نوجوانان شاهد و اینتارگر به الگوهای غربی مؤثر است؟

پیشینه پژوهش

نتایج بررسی مؤسسه عرفان (۱۳۷۶: ۲) در مورد میزان تأثیرپذیری نوجوانان از فرهنگ بیگانه در شهر رشت نشان داد بین دسترسی به انواع منابعی چون مجلات، آلبوم عکس، کانال‌های تلویزیون خارجی، ویدیو و... که به عنوان منابع انتشار پیام هستند، با گرایش و تأثیرپذیری رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد. همچنین نتایج پژوهش هاشمیان (نقل از سبحانی‌جو، ۱۳۸۹) حاکی از آن است که الگوگزینی نوجوانان تحت تأثیر گرایش‌های سیاسی و مذهبی، وسایل ارتباطی جمعی، همسالان، سیستم کنترل اجتماعی، جنس، سن، تحصیلات، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، منطقه مسکونی و روابط خانوادگی قرار دارد. نتایج حاصل از بررسی هویت ملی و مذهبی نوجوانان مشهد به وسیله آخوندی (۱۳۷۰: ۳) نشان داد پایبندی نظری نوجوانان به مذهب و ملیت بیش از پایبندی عملی آنان است. شرکت نوجوانان همراه با خانواده‌های خود در مراسم‌های ملی و مذهبی و گفت‌وگوی مستمر پیرامون مذهب و ملیت در خانواده در پایبندی به هویت ملی و مذهبی تأثیر مستقیم دارد. وضعیت اقتصادی تماشای فیلم و سریال‌های خارجی و استفاده از فیلم‌های ویدئویی تأثیر معکوس دارد.

لهسایی زاده، جهانگیری و شریفی (۱۳۸۳: ۳۳) در بررسی جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر میزان پایبندی دانش‌آموزان مقطع متوسطه به ارزش‌های دینی نتیجه گرفته‌اند که متغیرهای جامعه‌پذیری مذهبی، میزان استفاده از وسایل ارتباطی و شاخص‌های دیگر پایگاه اقتصادی - اجتماعی تأثیر بیشتری بر ارزش‌های دینی دارند. یافته‌های پژوهشی حسن‌پور (۱۳۷۵: ۳) در استان اردبیل حکایت از آن دارد که بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده نوجوانان و گرایش آنها به فرهنگ غرب رابطه مثبت بالایی وجود دارد، ولی ارتباط بین شهری و روستایی بودن خانواده آنها با این موضوع رد شد. علاوه بر این، رابطه بین مرزنشینی و سطح گرایش به فرهنگ غرب و نیز استفاده از تلویزیون آذربایجان با این مسئله با احتمال بالایی به تأیید رسید.

پژوهشی با عنوان «رابطه نگرش به غرب با تعلقات و گرایش‌های ساختی دانش‌آموزان کلاس‌های سوم و چهارم دبیرستان‌های شهر تهران» بر روی ۸۰۰ دانش‌آموز دختر و پسر انجام داده است. یافته‌ها نشان داد دانش‌آموزان ساکن محلات سنتی در مقایسه با دانش‌آموزان ساکن محله‌های متجددین، و دانش‌آموزان با ساختار خانواده سنتی نسبت به دانش‌آموزان ساختار خانواده متجدد از نگرش منفی‌تری نسبت به غرب برخوردارند. دانش‌آموزانی که شغل پدران‌شان سنتی است، در مقایسه با دانش‌آموزانی که شغل پدران‌شان جدید است، از نگرش منفی‌تری نسبت به غرب برخوردارند. نگرش به غرب دانش‌آموزان با سطح تحصیلات پدر و مادر از رابطه متوسط و مثبتی برخوردارند. همین‌طور، بین نگرش دانش‌آموزان نسبت به غرب و گرایش‌های مذهبی - سنتی آنان رابطه معکوسی برقرار است. همچنین دانش‌آموزان دختر نسبت به پسران از نگرش منفی‌تری نسبت به غرب برخوردارند (انتظاری، ۱۳۶۹: ۳).

مهرعلی (۱۳۷۶: ۳) پژوهش دیگری را با عنوان «علل گرایش برخی جوانان به گروه‌های ناهنجار موسیقی» انجام داده است. نتایج نشانگر این است که بین ضعف انتقال هنجارهای فرهنگی توسط خانواده و گرایش جوانان به گروه‌های ناهنجار موسیقی رابطه معنی‌داری وجود دارد. هرچه میزان ارتباط مسئولان مدارس با دانش‌آموزان در مورد الگوهای مورد توجه آنان کمتر باشد و نسبت به ارائه الگوهای جایگزین مثبت اقدام نکنند، گرایش جوانان به گروه‌های ناهنجار موسیقی بیشتر خواهد بود. این جوانان تا اندازه زیادی در موفقیت نفوذپذیری از فرهنگ بیگانه به‌ویژه استفاده از رسانه‌های جمعی غیررسمی (ماهواره، مجله‌های غیررسمی) قرار داشته‌اند.

مسعودی‌فر (۱۳۷۲: ۳) پژوهشی با عنوان «بررسی گرایش نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ ساله دبیرستان‌های مشهد به فرهنگ بیگانه» انجام و نشان داده جنسیت و سن در نگرش نوجوان دختر و پسر به فرهنگ بیگانه تأثیر ندارد. ضعف اعتقاد نوجوانان و خانواده آنها و شیوه‌های تربیتی در نگرش آنان به فرهنگ بیگانه مؤثر است. رسانه‌های گروهی در نگرش پسران بی‌تأثیر ولی در دختران اثر دارد. چگونگی گذراندن اوقات فراغت و وضع اقتصادی خانواده، در نگرش نوجوانان به فرهنگ بیگانه مؤثر ولی در پسران بی‌تأثیر است. نتایج پژوهش حاضر تأثیر عوامل تربیتی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را بر نگرش نوجوانان به فرهنگ بیگانه تأیید می‌کند.

ابراهیمی در تحقیق خود نتیجه گرفت که عواملی مانند سن و رده تحصیلی با ازخودبیگانگی رابطه مثبت و تعلق گروهی و تمایل به مطالعه، ورزش و رادیو و

تلوویزیون با آن رابطه منفی دارند (نقل از زکی، ۱۳۸۸: ۳۵). یافته‌های تحقیق طالبی (۱۳۷۸: ۳) در زمینه بیگانگی اجتماعی دانش‌آموزان شهر تهران نشان داد بخشی از افراد جامعه به نظام اجتماعی ایران تعلق خاطر نداشته و این به دلیل ضعف‌ها و مشکلاتی است که در نظام اجتماعی ایران به‌ویژه نهادهای فرهنگی وجود دارد. علاوه بر این، روابط بین چگونگی ارتباط و همکاری افراد با گروه‌های فرهنگی و استفاده آنها از رسانه‌های داخلی و بیگانگی ارزشی تأیید شده است. همچنین یافته‌های پژوهشی زکی (۱۳۸۸: ۲۵) نشان داد رابطه معنی‌داری منفی بین احساس بیگانگی و میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان وجود داشته است.

بر اساس نتایج تحقیق محسنی تبریزی (۱۳۸۱: ۱۱۹) مدل تبیینی تحلیل مسیر انزوای ارزشی، می‌توان استدلال کرد این متغیر متأثر از عوامل مختلفی است که در شبکه‌ای از روابط علی با یکدیگر و به صورت مرکب و مجموع قرار دارند و کل تغییرات آن را مجموع متغیرهای علت بیان می‌کند. در این الگو متغیرهای مطلوبیت شرایط خانوادگی، مطلوبیت شرایط آموزشی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، رضایت از زندگی، احساس ستیز با والدین و ضدیت با جامعه هم به طور مستقیم و هم به طور غیرمستقیم بر انزوای ارزشی اثر گذاشته‌اند. همچنین انزوای ارزشی بازتابی از تأثیرات متقابل متغیرهای علت و منتج از مجموعه‌ای از این عوامل است.

چهارچوب نظری

رویکردهای نظری در این مقاله، تلفیقی و ترکیب نظریات روان‌شناختی و جامعه‌شناسی خرد و کلان در تبیین و تحلیل کنش فرد در هیئت جامعه‌شناسی خرد از سویی، و ساختارها و نهادهای اجتماعی در قالب جامعه‌شناسی کلان از دیگر سو است. در روان‌شناختی در مورد نقش یادگیری در تکوین گرایش‌ها دو نظریه عمده وجود دارد: نظریه شرطی شدن فعال/اسکینر و نظریه یادگیری اجتماعی بندورا. نقطه عزیمت نظریه اسکینر متکی بر این فرض است که رفتار با توجه به نتایج آن شکل می‌گیرد و ادامه می‌یابد. اعمالی که از ارگانیزم سر می‌زند، متأثر از محیط است و این تأثیرات به صورت محرک و پاسخ، ارگانیزم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. طبق این دیدگاه، گرایش‌ها را می‌توان به عنوان پاسخ‌های ارادی در نظر گرفت که بسته به سابقه تقویت‌ها تغییر می‌کند. به عنوان مثال، هرگونه اظهارات و عبارات شفاهی که بیانگر گرایش‌ها هستند، می‌توانند به عنوان موضوع پاسخ‌های فعال برای شرطی شدن در نظر گرفته شوند (ودادهیر و داوری، ۱۳۷۷: ۵۶).

به نظر بندورا، یادگیری از راه‌های دیگری غیر از پاداش و تقویت مستقیم یا شرطی شدن کلاسیک می‌تواند صورت پذیرد. بیشتر افراد از طریق مشاهده الگوها یاد می‌گیرند (ودادهر و داوری، ۱۳۷۶: ۵۶). در این نظریه، کارگزاری روان‌شناختی بر حسب یک تعامل دوجانبه و مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های شخصیتی و محیطی توضیح داده می‌شود. در این رویکرد فرض بر آن است که فرایندهای نمادین، رقابتی و خود تنظیمی نقش مسلطی دارند (بندورا، ۱۳۷۲: ۲۶). در جریان یادگیری، آدمیان نه تنها پاسخ‌ها را بروز می‌دهند بلکه به اثرات حاصل از آن نیز توجه می‌کنند. آنها با مشاهده پیامدهای مختلف اعمال خود، به تدوین فرضیه‌هایی می‌پردازند، مبنی بر اینکه کدام پاسخ در کدام موقعیت بیشترین مناسبت را دارد. بعدها این اطلاعات اکتسابی به عنوان راهنمایی برای کنش آینده عمل می‌کنند. بندورا (۱۳۷۲: ۲۶) عامل تقارن یا شباهت فیزیکی، رفتاری و اجتماعی را یکی از عوامل مهم و مؤثر در الگوگزینی و سرمشق‌گیری می‌داند. به عقیده او، از میان الگوهای متعدد، الگوهای بیشترین تأثیر و نفوذ را دارند که شباهت و تجانس بیشتری با مشاهده‌گر الگویی دارند. بندورا این نزدیکی و شباهت را از ابعادی نظیر سن، جنس، موقعیت اقتصادی و اجتماعی، هوش مطرح کرده است. بدین ترتیب انتظار می‌رود نوجوانان، دوستان و همسالان خود را یکی از الگوهای رفتاری محبوب خود بدانند. با توجه به نظریه‌های گفته‌شده می‌توان نتیجه گرفت که یادگیری در شکل‌گیری گرایش نقش مهمی دارد، چراکه بیشتر رفتارهای انسان به صورت اکتسابی است و از محیط اطراف - چه از طریق مشاهده و چه از طریق تجربه شخصی - به گرایش خاصی سوق می‌یابد؛ بنابراین، محیط یادگیری انسان تأثیر می‌گذارد و این یادگیری ممکن است در مورد کارهای خوب یا بد باشد و بعد با توجه به یادگیری افراد گرایش خاصی نیز نسبت به آن در فرد به وجود می‌آید.

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر گرایش به غرب، از خودبیگانگی است. بخشی از تلاش جامعه‌شناسان صرف بررسی و تبیین ناسازگاری‌های حاکم بر روابط فرد و جامعه، کارکردهای گسل نهادها و سازمان‌های اجتماعی و عدم درونی شدن قواعد اخلاقی می‌شود. یکی از نتایج مهم و بارز جامعه‌پذیری ناموفق در سطح افراد و اجتماعی کردن نامطلوب و غیرکارآمد در سطح نهادهای اجتماعی کننده، بیگانگی اجتماعی و فرهنگی است که بیانگر جدایی فرد از نظام باورها، ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای عمل، اهداف فرهنگی و انتظارات جمعی است (زکی، ۱۳۸۸: ۲۶). در این پژوهش بر دیدگاه ملوین سیمن بیشتر تأکید شده است. وی بیگانگی را به پنج زیر مؤلفه تقسیم می‌کند:

۱) احساس بی‌قدرتی: حالتی که شخص احساس می‌کند نمی‌تواند هیچ کنترلی بر روی پاداشی که دریافت می‌کند، داشته باشد. به عبارتی فرد قادر به تحت تأثیر قرار دادن محیط اجتماعی خود نیست؛ ۲) احساس بی‌معنایی: نتیجه رفتار برای فرد قابل پیش‌بینی نیست. فرد در درک و عقیده خود دچار ابهام می‌شود. در این وضعیت فرد با عدم اطمینان نسبت به پدیده‌های زمان خود انتخاب و تصمیم‌گیری می‌کند. فرد نمی‌تواند با اطمینان نتایج عمل بر اساس عقیده خاصی را پیش‌بینی کند؛ ۳) احساس بی‌هنجاری: شخص برای رسیدن به اهداف خود راه‌هایی را که جامعه پیش روی او قرار داده، قبول نداشته یا سودمند نداند. فرد احساس می‌کند برای رسیدن به هدف‌های ارزنده خود نیاز به وسایل نامشروع دارد؛ ۴) احساس انزوای اجتماعی: در این وضعیت، فرد ارزیابی کمی نسبت به اهداف یا عقایدی می‌کند که در جامعه ارزیابی بالایی از آنها شده است؛ به عبارت دیگر تعلق و وابستگی نسبت به ارزش‌های مرسوم جامعه را از دست می‌دهد؛ ۵) احساس از خود بی‌خاری: ناتوانی اشخاص برای دستیابی به پاداشی رضاکنده درونی فرد. سیمن از خودبی‌خاری را به رفتاری نسبت می‌دهد که این رفتار از میزان طبیعی خود یا مقداری بیشتر و یا کمتر کلیشه‌ای شده است و اینکه انسان در نفس فعالیت خود هیچ‌گونه احساس فایده نکند.

نظریه مبادله جورج هومنز یکی از جدیدترین نظرات فردگرایانه متکی بر روان‌شناسی رفتاری است. هومنز با تکیه بر نظریه اسکینر معتقد است هر رفتاری که پاداش بیشتری برای فرد به دنبال داشته باشد و یا آن فرد معتقد باشد که چنین پاداشی در انتظار اوست، احتمال اینکه آن رفتار از فرد سر بزند بیشتر خواهد بود. همچنین، هومنز اشاره می‌کند که هر اندازه نتیجه عمل یک شخص برای او باارزش‌تر باشد، به همان اندازه علاقه وی نسبت به تدارک انجام آن عمل بیشتر می‌شود. تغییر ارزش ممکن است مثبت باشد یا منفی. بنابراین افزایش در ارزش منفی (تنبیه) احتمال انجام آن عمل را کاهش می‌دهد. هر عملی که نتیجه آن برای شخصی فرصت اجتناب یا فرار از تنبیه باشد، به منزله پاداش تلقی می‌شود و شخص، احتمال بیشتر آن را انجام خواهد داد (توسلی، ۱۳۸۰: ۳۸۴). نتایج برآمده از قضایای عام هومنز نشان می‌دهد هرچه گرایش به نهادهای اجتماعی‌کننده (خانواده، نظام آموزش و پرورش، گروه‌های دوستی و نظام سیاسی) برای فرد لذت‌بخش و پاداش‌آور باشد، رفتار فرد تداوم می‌یابد. در بازار مبادله‌ای بزرگ‌تر یعنی مبادله فرهنگ‌ها نیز هر فرهنگی که رضایت خاطر فرد را فراهم آورد، احتمال روی آوری فرد به آن بیشتر می‌شود.

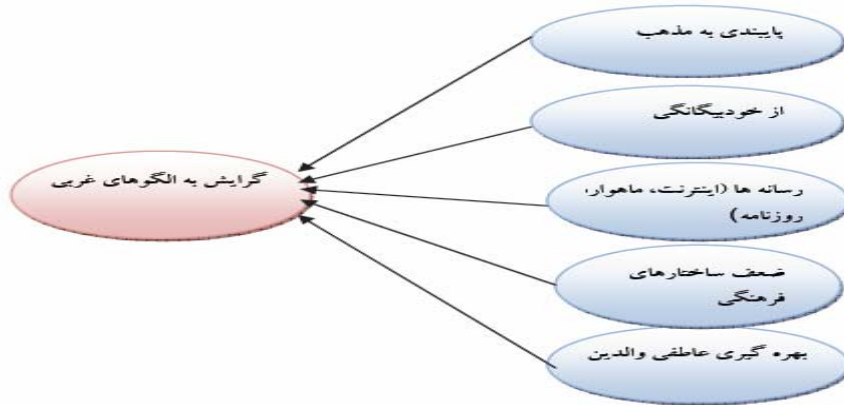
پارسونز معقد است پدیده فرهنگ از یک سو نتیجه روابط اجتماعی متقابل و از سوی دیگر عامل تعیین کننده این روابط است. کنش متقابل خصلت جمعی دارد، لذا برای مطالعه آن باید نظام‌های شخصیتی و فرهنگی را شناخت (عباسی و ایمان، ۱۳۸۶: ۱۱۶). در مدل سیبرنتیکی پارسونز، طیف درونی شدن هنجارها و ارزش‌ها به عنوان عناصر فرهنگی نشان می‌دهد هرچه فرد ارزش‌های فرهنگی را بیشتر درونی کرده باشد، احتمال اقدام او به کنشی که انحراف نامیده می‌شود، کمتر است و برعکس. سازمان‌ها و نهادهای درون جامعه ابزارهای درونی کردن الگوهای فرهنگی در میان کنشگران محسوب می‌شوند. چنانچه فرهنگی قادر نباشد، نیازها و مطالبات فرد را پاسخ گوید، فرد فرهنگ دیگری را که در بازار «مبادله» موجود است برمی‌گزیند و به آن گرایش پیدا می‌کند. در پژوهش حاضر، در مورد رابطه بین فرد و گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی بحث می‌شود و دیدگاه مبادله‌ای بر دیدگاه تهاجمی ارجحیت داده می‌شود. همچنین به دلیل اینکه گرایش به فرهنگ بیگانه، معلول و مسئله‌ای اجتماعی و حاصل ناتوانی سازمان‌ها، گروه‌ها و نهادهای فرهنگی در جذب افراد و اعطای موقعیت ساختاری به آنها به صورت کلان است، اساس کار بر متغیرهای تبیین کننده خرد و کلان بنا نهاده شده که جزئی از نظام فرهنگی و اجتماعی ایران کنونی است. از سوی دیگر، این متغیرها در واقع امر، به نهادهای اجتماعی ارتباط می‌یابند که عوامل اصلی انتقال فرهنگی محسوب می‌شوند. بر اساس دیدگاه تبادل‌گرای هومنز نیز پارامترهای اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی بین نسل بزرگسال و نسل جوان متفاوت است و در نتیجه سبب تفاوت میزان گرایش به عناصر فرهنگ غیرخودی در جوامع سنتی و در حال گذار بین نسل‌های گوناگون می‌شود.

در دیدگاه مبادله، کنشگران به دلایل مختلف، جذب گروه‌های اجتماعی می‌شوند. پس از برقراری نخستین ارتباطات و پیوندها، پاداش‌های متقابلی نصیب دو طرف مبادله می‌شود. این پاداش‌ها سبب می‌شود تا رفتارها تداوم یابد. عکس این قضیه نیز ممکن است. زمانی که فرد از سوی نهادهای اجتماعی کننده (اعضای خانواده، همسالان، نهادهای مذهبی، رسانه‌ها و موقعیت‌های ایجادشده به دست مسئولان نظام‌های فرهنگی) جذب نشود (ناتوانی نهادهای اساسی در جامعه) و در نتیجه اجتماعی شدن او ناقص باشد، به سوی موقعیت‌ها، سازمان‌ها، گروه‌ها، فرهنگ‌ها و تمدن دیگری روی می‌آورد که در صورت اخذ پاداش و احساس رضایتمندی از این روی‌آوری، رفتار خود

را تکرار کرده و از ارزش‌های فرهنگی خود فاصله گرفته و در نهایت جذب فرهنگ دیگری (غربی) می‌شود (عباسی وایمان، ۱۳۸۶: ۱۲۵).

نظریه گروه مرجع مرتون نیز بر عوامل ساختاری و اجتماعی کردن با توجه به شرایط محیطی و به‌ویژه زمینه اجتماعی تأکید دارد. بر اساس این دیدگاه می‌توان گفت تصور باز و بسته بودن ساختارهای اجتماعی که به میزان تحرک اجتماعی در گروه بستگی دارد، و حضور در محیط مجازی از طریق کاربری اینترنت و ماهواره بر نحوه گزینش گروه مرجع تأثیرگذار هستند. این رسانه‌ها به مثابه یکی از رسانه‌های فرامدرن، نقش بسزایی در شکل‌گیری گرایش‌های فرد ایفا می‌کند. میزان و نوع کاربری در اینجا، در گرایش به گروه‌های مرجع تأثیرگذار است. به نظر می‌رسد در اثر عملکرد نامناسب نهادهای خانواده، مدرسه، همسالان و کافی نبودن تأمین نیازهای روان‌شناختی، جامعه‌پذیری نوجوان با مشکلاتی مواجه شود و زمینه به گرایش ارزش‌ها و الگوهای غربی فراهم شود. بر اساس چهارچوب نظری و همچنین پژوهش‌های پیشین الگوی تحلیل پژوهش حاضر بر اساس مؤلفه‌های اصلی متغیرها، در قالب نمودار زیر قابل ارائه است

شکل شماره ۱. مدل نظری در مورد روابط متغیرهای اصلی پژوهش



فرضیه‌های تحقیق

در پاسخ به این پرسش که آیا ضعف ساختارهای اجتماعی و فرهنگی در تبیین گرایش نوجوانان شاهد و اینارگر به الگوهای غربی مؤثر است، فرضیه‌های زیر شکل گرفتند:

۱. به نظر می‌رسد بین میزان بهره‌گیری از پیوند عاطفی و گرایش به الگوهای فرهنگ غربی رابطه وجود دارد.
۲. به نظر می‌رسد فعال نبودن گروه‌ها و نهادهای فرهنگی در محیط تحصیلی و زندگی فرد و عدم درگیری ذهنی افراد با آنها در الگوهای فرهنگ غربی نوجوانان مؤثر است.
۳. به نظر می‌رسد ممنوعیت از طرف منابع مختلف (نیروی انتظامی، دوستان، مدرسه و خانواده) و گرایش به الگوهای فرهنگ غربی رابطه وجود دارد.
۴. هرچه ارتباطات نوجوانان با وسایل ارتباط جمعی غیرمجاز بیشتر باشد، تأثیرپذیری آنان از عناصر فرهنگ غرب بیشتر خواهد بود.
۵. ضعف ساختاری در نظام فرهنگی استان در الگوگزینی نوجوانان از الگوهای فرهنگ غربی مؤثر است.
۶. بین اعتقادات مذهبی نوجوانان و گرایش به الگوهای فرهنگ غربی رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی

روش مطالعه، توصیفی و از نوع پیمایشی و همبستگی است. بعد از جمع‌آوری داده‌ها به صورت میدانی، روابط بین پدیده‌ها و متغیرها مورد مطالعه قرار گرفت.

تعاریف نظری و عملیاتی

برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شد. این پرسشنامه در ۵ مقیاس فرعی تنظیم شد. در مجموع پرسشنامه دارای ۱۲۶ پرسش بود که علاوه بر آن، ۸ پرسش نیز در مورد ویژگی‌های دموگرافیک در پرسشنامه جای داده شد. مقیاس‌های فرعی پرسشنامه شامل ازخودبیگانگی (۱۴ گویه)، اعتقادات مذهبی (۱۷ گویه)، پیوند عاطفی والدین (۱۲ گویه) و فعالیت نهادهای فرهنگی و نحوه همکاری با آنها (۲۱ گویه) و گرایش به فرهنگ غربی (۶۲ گویه) بود. پاسخ سؤالات با استفاده از مقیاس سه‌الی پنج‌درجه‌ای لیکرت تنظیم شده بود. با توجه به اهمیت مؤلفه‌های پرسشنامه در بررسی نتایج و تحلیل آن، در این بخش ضمن ارائه تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها، نمونه‌ای از مواد پرسشنامه آورده می‌شود.

مقیاس‌های متغیر مستقل

اعتقادات مذهبی با شاخص‌هایی چون انجام فرایض دینی، اعتقاد به اصول دین و

مراجع تقلید، نظرات مثبت نسبت به افراد باایمان، اعتقاد به نظارت خدا بر اعمال انسان‌ها، شرکت در مراسم مذهبی، اعتقاد به روز رستاخیز و خواندن نمازهای یومیه و گرفتن روزه سنجیده شد.

وسایل ارتباط جمعی غیرمجاز: شامل کلیه نشریه‌ها، مجله‌ها و سایر رسانه‌های مهم دیگر که استفاده از آنها در جامعه ممنوع است (تلویزیون ماهواره‌ای) و جرم تلقی می‌گردد. ضعف ساختاری در نظام فرهنگی استان: منظور از وجود ضعف‌های ساختاری در نظام فرهنگی، آرایش و عملکرد ساختارهای فرهنگی است به گونه‌ای که موجب پدید آمدن مشکل انسجامی در ساختار فرهنگی به شکل‌های ذهنی، عینی، رابطه‌ای و عضویتی شود. در تعریف ضعف ساختاری در نظام فرهنگی دو بعد در نظر گرفته شد: بُعد داخلی شامل: (۱) فعال نبودن گروه‌ها و نهادهای فرهنگی (انجمن اسلامی، بسیج دانش آموزی، هیئت‌های عزاداری و مداحی، کانون قرآن و...) در محیط تحصیلی و زندگی فرد و بی‌اطلاعی افراد از وجود آن؛ (۲) چگونگی همکاری و عدم همکاری افراد با گروه‌ها و نهادها؛ (۳) استفاده نکردن از رسانه‌های داخلی (روزنامه‌های داخلی، مجله‌های داخلی، رادیو، تلویزیون، سینما و ویدیو) است. بعد خارجی دربرگیرنده مؤلفه‌هایی از قبیل (۱) استفاده از رسانه‌های خارجی (روزنامه‌های خارجی، مجله‌های خارجی، رادیو و تلویزیون خارجی و اینترنت؛ ۲) مسافرت نزدیکان فرد به خارج از کشور (مسافرت خویشاوندان سببی و نسبی).

ممنوعیت از طرف منابع مختلف: دربرگیرنده هرگونه موانعی است که از جانب نیروی انتظامی، مدرسه، دوستان و خانواده‌ها ایجاد می‌شود. برای مثال: چقدر رفتار شما از سوی منابع مذکور تحت نظارت و کنترل قرار می‌گیرد؟

میزان بهره‌گیری عاطفی والدین: شاخص‌های این متغیر شامل میزان توجه پدر و مادر نسبت به نوجوان، واگذاری مسئولیت به فرزند، بی‌مهری از سوی والدین، نحوه ارتباط عاطفی والدین با یکدیگر (وجود زدوخورد، بگوومگویی زیاد، مشاجره لفظی، و صمیمی بودن)، میزان احساس ناراحتی نوجوان از روابط پُرتنش والدین، و میزان ستیز خانوادگی (عدم دخالت اعضا در کار یکدیگر، کتک‌کاری گاه‌وبی‌گاه، غُر زدن دائمی، دعوی لفظی و کتک‌کاری دائمی) است.

ازخودبیگانگی: احساس جدایی و عدم پیوند ذهنی و عینی بین فرد و محیط پیرامون (یعنی جامعه و فرد) است؛ تجربه خاصی که موجب می‌شود شخص خود را بیگانه

حس کند و یا آنکه بین اجزا و اعضای شخصیت وی تجزیه حاصل شود و کل شخصیت وی از معنی بیفتد (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۲۲).

مقیاس‌های متغیر وابسته

گرایش به الگوهای غربی: از نظر جامعه‌شناسی، غرب‌گرایی طرز تفکر خاصی است که به پذیرش هرچه غربی باشد گرایش دارد و از هرچه سنتی و شرقی است، بیزار است (نقوی، ۱۳۷۷: ۱۸). منظور از تأثیرپذیری از الگوهای فرهنگ غربی در این پژوهش عبارت است از پذیرش ذهنی یا عینی پدیده‌های مختلف و به طور خاص عناصر فرهنگ غربی از قبیل مد لباس، آرایش، موسیقی و اندیشه‌های غرب‌گرایی که با فرهنگ اسلامی متفاوت بوده و جزء فرهنگ اسلامی قرار نمی‌گیرد و با ارزش‌های اسلامی در تقابل است. مانند پذیرش الگوهای مو، الگوی پوشاک، الگوی هنری و موسیقی، الگوی خوراک، مطالعه کتاب‌های غربی، بی‌اعتمادی به قدرت ملی، دیدن فیلم‌های خارجی، علاقه‌مندی به انتخاب نام خارجی، اعتقاد به وجود دوست پسر و دوست دختر و...

ابزار پژوهش

در این پژوهش، برای گردآوری داده‌های لازم برای تحلیل از دو نوع پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شد. برای اندازه‌گیری میزان تأثیرپذیری رفتاری نوجوانان از الگوهای فرهنگ غرب از پرسشنامه مسعودی‌فر (۱۳۷۲) بهره گرفته شد که پرسش‌های آنها بر اساس طیف لیکرت (هیچ تا خیلی زیاد) در مورد مدل کفش، مو، لباس و ترانه با توجه به منابع الگوگزینی تنظیم شده بود. ضریب پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۰ محاسبه شده است. دومین پرسشنامه، در مورد میزان از خودبیگانگی (۱۴ گویه)، تقیدات و اعتقادات مذهبی (۱۷ گویه)، پیوند عاطفی والدین (۱۲ گویه) و فعالیت نهادهای فرهنگی و نحوه همکاری با آنها (۲۱ گویه) طراحی شده بود. پس از تهیه و تنظیم سؤالات پرسشنامه، با استفاده از نظرات استاد ناظر و چند نفر از کارشناسان مجرب مورد پالایش قرار گرفت و پس از اطمینان از اعتبار و روایی پرسشنامه به مرحله اجرا گذشته شد. همان‌طور که در جدول (۱) ملاحظه می‌شود ضریب پایایی کل پرسشنامه (۰/۵۹) ضریب پایایی متوسطی است. کلی (نقل از واحدی و نیکخو، ۱۳۸۲) معتقد است اگر درباره گروه تصمیم‌گیری شود (مانند گرایش‌های گروهی، سطح کارکرد کلی گروه و غیره...) ضریب پایایی حداقل ۰/۵۰ کافی است.

جدول شماره ۱. ضرایب آلفای کرونباخ متغیرهای اصلی تحقیق

شاخص‌ها	میانگین	انحراف معیار	ضریب آلفا
مذهب	۴۰/۸۱	۴/۸۳	۰/۴۳
پیوند عاطفی	۳۳/۱	۳/۲۷	۰/۴۱
ازخودبیگانگی	۴۶/۵۲	۷/۵۶	۰/۷۰
همکاری با نهادهای فرهنگی	۸/۱۲	۱/۶۴	۰/۶۰
نحوه فعالیت نهادهای فرهنگی	۷/۵۵	۲	۰/۵۹
کل			۰/۵۹

جامعه آماری، حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری

جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش تمامی دانش‌آموزان خانواده‌های شاهد و ایثارگر ۱۱۹-۱۵ ساله مناطق ۲۴ گانه آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی است که تعداد کل آنها ۹۵۰ نفر است. با استفاده از فرمول تاباکنیک و فیدل^۱ - (تعداد متغیرهای مستقل) $8 + 50 > N$ ، تعداد ۱۹۹ (۱۰۵ دختر و ۹۴ پسر) به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای از جامعه انتخاب شدند. استان آذربایجان غربی با توجه به پراکندگی جغرافیایی و تنوع فرهنگ به سه قسمت شمال و جنوب و مرکز تقسیم شد. از شمال شهرستان خوی (۴۸ نفر) از جنوب شهرستان‌های پیرانشهر (۳۱ نفر)، سردشت (۲۱ نفر) و شاهین‌دژ (۳۳ نفر)؛ از قسمت مرکزی نیز ارومیه (۶۶ نفر) به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. از آنجاکه به نظر می‌رسد واریانس مدارس مناطق ناچیز باشد، از هر منطقه دو دبیرستان؛ یکی پسرانه و دیگری دخترانه به صورت تصادفی و به روش ساده انتخاب شدند.

یافته‌های تحقیق

پس از جمع‌آوری داده‌ها و ورود آنها به رایانه، داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری PASW Statistics 18 تحلیل شدند. داده‌های پرت تک‌متغیره و چندمتغیره با استفاده از نرم‌افزار SPSS سرند شدند. مقدار شاخص آماره آزمون کولموگروف اسمیرنوف برابر با ۰/۰۶ محاسبه شد و از آنجاکه دارای سطح معناداری ۰/۲۰۰ است، بنابراین نمرات متغیر

1. Tabachnick & Fidell

وابسته دارای توزیع نرمال است. از لحاظ تک‌متغیره، داده‌ها نسبتاً نرمال توزیع شدند، به طوری که هیچ کدام از مقادیر کجی فراتر از مقدار مطلق ۱ و مقادیر کشیدگی بیشتر از مقدار مطلق ۱ نبودند.

جدول شماره ۲. ضریب همبستگی عوامل مؤثر بر گرایش به تقلید از الگوهای غربی

متغیر	میانگین	SD	r	سطح معنی داری
میزان از خودبیگانگی	۲/۷۲	۱/۳۳	۰/۱۹	۰/۰۰۶
فعال بودن نهاد فرهنگی (بسیج محله)	۲۱/۱	۰/۸۱	-۰/۱۹	۰/۰۰۱
انجمن اسلامی دانش آموزی	۲/۰۴	۰/۸۲	-۰/۲۱	۰/۰۰۱
بسیج دانش آموزی	۲/۵۴	۰/۶۷	-۰/۲۲	۰/۰۰۱
هیئت‌های مذهبی و مداحی	۲/۱۶	۰/۸	-۰/۲۶	۰/۰۰۱
بسیج محله	۲/۰۴	۰/۷۵	-۰/۲۶	۰/۰۰۱
خواندن نماز به طور منظم	۲/۴۷	۰/۸۱	-۰/۱۷	۰/۰۰۹
شرکت در مراسم مذهبی	۲/۵	۰/۷۵	-۰/۱۴	۰/۰۲۶
شناخت کافی نسبت به احکام دینی	۲/۳۳	۰/۶۱	-۰/۱۳	۰/۰۰۱
اعتقاد به جهان آخرت	۲/۶۷	۰/۶۸	-۰/۲۲	۰/۰۴۳
ثبوت اعمال و رفتار انسان	۲/۴۶	۰/۸۶	-۰/۱۵	۰/۰۱۶
میزان استفاده از رسانه‌های گروهی	۳/۵۹	۱/۳۶	-۰/۲۰	۰/۰۱
مجله‌های داخلی	۴/۱۳	۱/۱۱	-۰/۲۲	۰/۰۰۶
رادیو و تلویزیون داخلی	۱/۸۸	۱/۱۴	۰/۱۳	۰/۱۴
مجله‌های خارجی	۲/۲۵	۱/۴۵	۰/۱۱	۰/۱۹
رادیو و تلویزیون ماهواره	۱/۷۶	۰/۹۴	۰/۱۱	۰/۲۰
روزنامه خارجی	۳/۲۴	۱/۳۸	-۰/۰۵	۰/۵۳
روزنامه داخلی	۳/۱۶	۱/۴۲	۰/۲۲	۰/۰۱
اینترنت	۴/۲۷	۰/۸۴	-۰/۱۸	۰/۰۰۵
صمیمی بودن رابطه نوجوان و والدین	۴/۱۵	۰/۹۹	۰/۱۳	۰/۰۳۹
میزان اختلاف زناشویی در خانواده	۳/۷۱	۰/۶۱	-۰/۱۶	۰/۰۱۷
نحوه ارتباط والدین سالم با یکدیگر	۴/۲۹	۱/۳۳	۰/۲۵	۰/۰۰۱
میزان بی‌مهری و کم‌محبتی پدر				

همان‌گونه که نتایج جدول شماره ۲ نشان می‌دهد هرچه میزان از خودبیگانگی در بین نوجوانان بیشتر باشد، میزان گرایش به تقلید از غرب در بین جوانان افزایش پیدا

می‌کند. همچنین هرچه میزان فعالیت نوجوانان در نهادهای فرهنگی به‌ویژه بسیج محله در جامعه بیشتر باشد، میزان گرایش به تقلید از غرب در بین آنان کاهش پیدا می‌کند. علاوه بر این، نوجوانانی که میزان گرایش به تقلید از غرب در میان آنان کمتر است، به میزان نسبتاً بالایی با نهادهای فرهنگی مانند انجمن اسلامی، بسیج دانش‌آموزی، هیئت‌های مذهبی و مداحی و بسیج محله همکاری می‌کنند و به اصول دین، اعمال و مناسک مذهبی بیشتر پایبند هستند.

از سوی دیگر، از بین رسانه‌های خارجی مؤثر، فقط اینترنت با غرب‌گرایی رابطه مثبت معنی‌داری داشت، و رابطه متغیر ملاک با سایر رسانه‌های خارجی در نمونه حاضر معنی‌دار نبود.

در مورد رابطه بهره‌گیری از پیوند عاطفی والدین و گرایش به تقلید از غرب نتایج نشان داد بین این دو متغیر رابطه معنی‌داری وجود دارد. نوجوانانی که میزان گرایش به تقلید از غرب در بین آنان کمتر است، به خانواده‌هایی تعلق دارند که صمیمیت و محبت بین اعضای خانواده بیشتر و میزان اختلافات زناشویی بین والدین‌شان کمتر است. بر اساس یافته‌های جدول شماره ۳ ملاحظه می‌شود فقط بین فراوانی‌های مشاهده‌شده و مورد انتظار منابع مدرسه و رسانه با گرایش به تقلید از الگوهای غربی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. هرچند تفاوت‌های بین طبقات در منابع مذکور از لحاظ آماری معنی‌دار هستند، ولی در اکثریت پاسخگویان میزان گرایش به الگوهای غربی بسیار پایین است. افراد نمونه معتقدند نظارت زیاد و متوسط مدرسه در نحوه پوشش و آرایش دختران می‌تواند مانع گرایش به تقلید از الگوهای فرهنگ غربی شود.

جدول شماره ۳. نتایج آزمون مجذور خی در مورد رابطه بین منابع کنترل و گرایش به تقلید از الگوهای غربی

منابع کنترل	مقادیر مجذور خی	df	سطح معنی‌داری
خانواده (والدین، خواهر و برادر)	۲/۵۳	۴	۰/۶۴
دوستان	۳/۲۳	۴	۰/۵۲
مدرسه	۱۰/۹۲	۴	۰/۰۲۷
نیروی انتظامی	۲/۲۷	۴	۰/۶۸
رسانه	۱۰/۳۵	۴	۰/۰۳۵

به منظور تعیین سهم نسبی هریک از متغیرهای پیش‌بین بر تغییرات مربوط به آن از رگرسیون چندگانه به روش گام‌به‌گام استفاده شده است. در این روش، متغیرهای پیش‌بین با توجه به شدت ارتباطشان با متغیر ملاک (از قوی‌ترین تا ضعیف‌ترین ارتباط) به ترتیب وارد معادله شده و متغیرهای پیش‌بینی که سهم معنی‌داری در افزایش دقت پیش‌بینی متغیر ملاک نداشته‌اند، وارد معادله نشده‌اند. نتایج در جدول شماره ۴ ارائه شده است.

جدول شماره ۴. آماره‌های تحلیل مدل رگرسیون چندگانه گرایش به تقلید از الگوهای غربی

مدل رگرسیون	R	R ^۲	ΔR ^۲	F	B	Std. Error	β	t	سطح معنی‌داری
عرض از مبدأ					۷/۹۳	۱/۷۷		۴/۴۹	
استفاده از رادیو داخلی					-۰/۴۹	۰/۱۶	-۰/۳۳	۳/۵۳	
از خودبیگانگی	۰/۸۳	۰/۷۱	۰/۶۴	۸/۳۷	۰/۰۸۶	۰/۲۳	۰/۳۹	۳/۷۳	۰/۰۰۱
پای‌بندی به مذهب					-۰/۰۹۵	۰/۳۱	-۰/۳۲	۳/۰۳	۰/۰۰۱
میزان صمیمیت والدین					-۰/۶۸	۰/۱۹	-۰/۳۸	۳/۵۵	۰/۰۰۵
هیئت‌های مذهبی و مداحی					-۰/۶۲۳	۰/۲۲	-۰/۳۲	۲/۸۹	۰/۰۰۱

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون به روش گام‌به‌گام در پنج مرحله، نشان دهنده معنی‌داری ضریب همبستگی چندگانه ($R=0/83$) و ضریب تبیین ($R^2=0/71$) در سطح $F=0/07$ است. به عبارتی، مجموع متغیرهای استفاده از رادیوی داخلی، از خودبیگانگی، پایبندی به مذهب، میزان صمیمیت والدین و هیئت‌های مذهبی و مداحی ۶۴ درصد واریانس متغیر گرایش به تقلید از الگوهای غربی را پیش‌بینی می‌کنند.

نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، بررسی علل گرایش فرزندان شاهد و ایثارگر به تقلید از الگوهای غربی در استان آذربایجان غربی بود. نتایج حاکی از آن است که میزان گرایش به الگوهای غربی در میان اکثریت پاسخگویان بسیار پایین است. همین‌طور آنها معتقدند

نظارت زیاد و متوسط از سوی مدرسه در نحوه پوشش و آرایش دختران می‌تواند مانع گرایش به تقلید از الگوهای غربی شود. این یافته با نتایج تحقیق واحدی و نیکخو (۱۳۸۲: ۱۰۸) همخوانی ندارد که معتقد بودند «هرچه ایجاد ممنوعیت در مدرسه و نیروی انتظامی در جهت استفاده از لباس تشدید می‌گردد، گرایش را افزایش می‌دهد. افزون بر این، ممنوعیت مدرسه با تأثیرپذیری در زمینه آرایش کردن سر و ممنوعیت نیروی انتظامی، رابطه معنی‌داری را با گرایش نشان می‌دهد. در زمینه موسیقی خارجی و موسیقی ایرانی با ممنوعیت‌های مدرسه، خانواده، نیروی انتظامی تأثیرپذیری و گرایش رابطه معنی‌داری وجود ندارد». برای تبیین این امر می‌توان به نظریه کنترل اجتماعی استناد کرد که تعهدات و تقلیدها نسبت به نهادها و گروه‌های اجتماعی کننده می‌تواند نوجوانان و جوانان را در این گروه‌ها ادغام کرده، موجب کنترل فردی و اجتماعی و تنظیم رفتارهای آنها شود؛ اما نوجوانان و جوانان در صورتی ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های اجتماعی گروه‌ها و نهادهای اجتماعی کننده (مانند خانواده، مدرسه و گروه دوستان) را می‌پذیرند که به آنها دل بستگی داشته باشند. بنابراین، میزان تعلق و دل بستگی به گروه‌ها و نهادهای اجتماعی کننده می‌تواند در جامعه‌پذیری نوجوانان و جوانان نقش مهمی ایفا کند. افزون بر این در توجیه این موضوع می‌توان گفت که ارزش‌های حاکم در خانواده‌های جانبازان و ایثارگران با ارزش‌های سایر دستگاه‌های آموزشی و کنترلی همسوست و همدیگر را در جریان جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری حمایت می‌کنند. هرچند ممکن است در بین برخی از نوجوانان چنین گرایش‌های ناهمخوانی با ارزش‌های مورد قبول خانواده و سایر ساختارهای اجتماعی دیده شود، در صورت اعمال نظارت و کنترل این‌گونه رفتارها، میزان آن کاهش می‌یابد.

همچنین نتایج به دست آمده در مورد رابطه نحوه فعالیت گروه‌ها و نهادهای فرهنگی و همکاری فرد با آن، بر گرایش به تقلید از غرب نشان داد بین این دو متغیر یعنی فعالیت بسیج محله و گرایش به تقلید از غرب رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد، یعنی هرچه فعالیت نهادهای فرهنگی به ویژه بسیج محله در جامعه بیشتر باشد، میزان گرایش به تقلید از غرب در بین جوانان کاهش پیدا می‌کند. افزون بر این، همکاری فرد با گروه‌ها و نهادهای فرهنگی (انجمن اسلامی دانش‌آموزی، بسیج دانش‌آموزی، هیئت‌های مذهبی و مداحی و بسیج محله) و گرایش به تقلید از غرب، رابطه منفی معنی‌داری را نشان داد؛ به عبارت دیگر، نوجوانانی که میزان گرایش به تقلید از غرب در بین آنان کمتر است، به میزان نسبتاً بالایی با این نهادهای فرهنگی همکاری می‌کنند.

نتایج تحقیقات عباسی وایم/ن (۱۳۸۶: ۱۱۳)، دهقان و واحدی (۱۳۸۶: ۳) و رنجه‌بازو (۱۳۸۲: ۳) نیز همسو با این پژوهش، نشانگر تأثیرگذاری عوامل در نگرش‌های اخلاقی و اجتماعی (به ترتیب خانواده، عوامل مذهبی و فرهنگی) است. رنجه‌بازو (۱۳۸۲: ۳) نیز در تحقیق خود با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر نگرش‌های اخلاقی و اجتماعی در بین افراد ۱۵ الی ۴۰ ساله شهرستان ارومیه» به این نتایج دست یافت که از عوامل مهم تأثیرگذار در نگرش‌های اخلاقی و اجتماعی به ترتیب خانواده، عوامل مذهبی و فرهنگی هستند. یافته‌های پژوهش در راستای نتایج حاصل از تحقیقات صباغ‌پور (۱۳۷۳: ۳)، تیموری (۱۳۷۹: ۵۳)، و رفیع‌پور (۱۳۷۸: ۵) است. پارسونز در این زمینه معتقد است ثبات الگوهای فرهنگی به ثبات ارزش‌های محوری در جامعه بستگی دارد. این امر وقتی تحقق می‌یابد که اعضای جامعه در فرایندهای نهادینه‌سازی و درونی شدن ارزش‌ها در جامعه شرکت جسته و آن را به انجام رسانده باشند؛ یعنی انگاره‌های فرهنگی ارزشی درونی شده و بخشی از ساخت شخصیت کنشگر را تشکیل داده باشند. در چنین صورتی ارزش‌های اجتماعی بخشی از نظام «تمایل - نیاز» فرد خواهند بود و میان انگیزش تکوین رفتار و عمل اجتماعی در جامعه نوعی یگانگی به وجود خواهد آمد. تأمین این نیازها منوط به تحقق صحیح فرایندهای نهادی شدن ارزش‌ها در جامعه و موفقیت نهادهای فرهنگی در انجام وظایفی است که بر عهده دارند (طالبی، ۱۳۷۸: ۳). به سخن دیگر، تشکیلات اجتماعی نیز از جمله مکانیزم‌های اجتماع‌پذیری نوجوانان و جوانان به شمار می‌روند. این تشکیلات سعی در هم‌نوایی اعضا با ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های مطلوب اجتماعی دارند و بدین ترتیب آگاهانه به اجتماعی کردن اعضا اقدام می‌کنند، اما افراد عضو در تشکیلات، بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی، با مشاهده رفتار، کردار و گفتار برخی از اعضا، به مثابه الگو آنها را فرا می‌گیرند و به تدریج درونی می‌سازند. در این جهت است که عضویت در انواع تشکیلات می‌تواند نقش بسزایی در پرورش اجتماعی نوجوانان و جوانان داشته باشد؛ بنابراین می‌توان چنین استنباط کرد که نظام فرهنگی نقش انتقال فرهنگ و فرهنگ‌پذیری خود را بین فرزندان انقلابی به‌خوبی ایفا کرده است.

دیگر نتایج این پژوهش بیانگر این است که هرچه افراد از رسانه‌های خارجی (اینترنت) استفاده بیشتری کنند و یا از رسانه‌های داخلی کمتر بهره‌مند باشند، گرایش به تقلید از غرب در آنان افزایش خواهد یافت. این یافته با پژوهش طالبی (۱۳۷۸: ۳)، واحدی (۱۳۸۲ و ۱۳۷۵: ۳)، دهقان و واحدی (۱۳۸۶: ۳) همخوانی دارد.

یافته بعید این تحلیل نشان داد بین میزان بهره‌گیری از پیوند عاطفی والدین و گرایش به تقلید از غرب رابطه وجود دارد؛ یعنی نوجوانانی که میزان گرایش به تقلید از غرب در بین آنها کمتر است، به خانواده‌هایی تعلق دارند که صمیمیت و محبت بین اعضای خانواده بیشتر و میزان اختلافات زناشویی بین آنها کمتر است. این نتیجه نیز با نتایج تحقیق *اطیایی* (۱۳۸۲) همسویی دارد. در تبیین این یافته می‌توان چنین استنباط کرد که والدین این قشر انقلابی بیشترین نقش را در میزان شکل‌دهی ارزش‌های دانش‌آموز به عهده داشته‌اند. این نتایج به نوعی تأیید فرضیه اجتماعی شدن است که می‌گوید کودک بیشترین نگرش‌هایش را در دوران کودکی به دست می‌آورد و چون در این دوران، پدر و مادر و یا مراقبان مهم‌ترین الگوی کودک به شمار می‌روند، پس بیشترین نقش را در پرورش وی عهده‌دار هستند.

نتایج تحقیق یوسفی (۱۳۸۳: ۲۴۸) در مورد مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر شکاف نسل‌ها بیانگر این است که استبدادگرایی پدران (سبک مستبدانه) $0/۷۳$ بر حشو ارزش پدران، و $0/۶۳$ تغییرات تضاد هنجاری نسل‌ها تأثیرگذار است. یعنی پدران سخت‌گیر، خودداری و غیرقابل انعطاف با رفتار و منش خود نه تنها این زمینه را به وجود می‌آورند که فرزندان‌شان سبک رفتاری، عقاید و هر آنچه مربوط به آنهاست را نامتناسب با وضعیت فعلی و قدیمی بپندارند، بلکه زمینه ایجاد اختلاف در هنجارهای بین پدران و فرزندان فراهم می‌شود. بحران هویت فرهنگی نسل فرزندان نیز $0/۳۴$ با تضاد هنجاری رابطه دارد، یعنی با سیال شدن هویت نسل فرزندان و گسترده شدن دایره گم‌گشتگی هویت فرزندان، هنجارهای فرزندان با پدران بیشتر اختلاف پیدا می‌کند. با این حال، حشو ارزش پدر $0/۳۷$ و تضاد هنجاری نسل‌ها $0/۳۶$ به طور مستقیم با شکاف نسلی از دیدگاه نسل‌ها رابطه دارد؛ بنابراین، بر اساس نظریه مبادله هومنز و دیدگاه سیستمی گرایش به غرب در بین نوجوانانی یافت می‌شود که در میکرو سیستم (خانواده) از وضعیت نامنی و بی‌مهری رنج می‌برند و به دلیل عدم احراز ویژگی‌های مطلوب یک الگو توسط والدین در تضاد با ارزش‌های آنان قرار می‌گیرند و در نهایت به دنبال جبران خلأ عاطفی و روانی در خانواده، به الگوهای برون از سیستم خانواده گرایش پیدا می‌کند. اگر ساختارهای نظام فرهنگی بتواند این شکاف عاطفی را با برنامه‌ریزی منطقی پُر کند، از گرایش نوجوان به الگوهای غربی جلوگیری خواهد کرد.

در نهایت نتایج رگرسیون چندمتغیره نشان داد مجموع متغیرهای استفاده از رادیوی داخلی، از خودبیگانگی، پایبندی به مذهب، میزان صمیمیت والدین و هیئت‌های مذهبی

و مداحی با متغیر ملاک (گرایش به تقلید از الگوهای غرب) ارتباط دارد. از این یافته می‌توان چنین نتیجه گرفت که خانواده هنوز مهم‌ترین منبع الهام‌بخش ارزش‌های مذهبی در دانش‌آموزان به شمار می‌رود که به نوعی تأیید فرضیه اجتماعی شدن نیز است.

پیشنهاد‌های کاربردی

۱. تعیین و ارائه الگوهای متناسب با ارزش‌های فرهنگی به نسل نوجوان کشور و تقویت الگوهای درجه اول از طریق صدا و سیما و وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی، می‌تواند نقش مهمی در این زمینه داشته باشد که این امر مستلزم برنامه‌ریزی اصولی و منظم و سرمایه‌گذاری خاصی است. نوجوانان سعی می‌کنند از رفتارهایی مثل نحوه تحصیل، انتخاب دوست، نحوه پوشش، انتخاب شغل، ورزش، آرایش ظاهری، اوقات فراغت و مسائل اجتماعی مذهبی و هنری و سایر موارد از الگوهایی که دارای پایگاه اجتماعی، شایستگی و قدرتمندی برخوردار هستند، تقلید کرده و همانندسازی کنند. بنابراین مراکز مهم فرهنگ‌سازی کشور (صداوسیما، وزارت ارشاد اسلامی و دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزشی و...) در ارائه الگوهای ملی - مذهبی و سیاسی اجتماعی خود این موارد را در نظر گرفته و سرمایه‌گذاری روان‌شناختی و جامعه‌شناختی گسترده‌ای را انجام دهند.

۲. با توجه به فرضیه اجتماعی شدن باید گفت، ارزش‌های اصلی شخص تا اندازه زیادی انعکاس شرایطی است که در طول سال‌های قبل از بلوغ وی حاکم بوده است. با توجه به اینکه در این دوران پدر و مادر بیشترین ارتباط را با فرد دارند، این ارزش‌ها بیشتر تحت تأثیر پدر و مادر است. نتایج به دست آمده نیز بر اهمیت خانواده به مثابه مهم‌ترین منبع تأثیرگذار بر ارزش‌های مذهبی تأکید می‌کند.

۳. تشویق فرزندان (نوجوانان و جوانان) به شرکت و فعالیت در انواع تشکیلات رسمی و غیررسمی مانند بسیج دانش‌آموزی یا بسیج محله، انجمن اسلامی، شورای دانش‌آموزی، تیم‌های ورزشی، هنری، مذهبی و... موجب رشد و توسعه تربیت دینی و تعمیق ارزش‌های دینی خواهد بود و از هر گونه گرایش به الگوهای غربی جلوگیری به عمل خواهد آورد.

۴. راهنمایی و تشویق فرزندان (نوجوانان و جوانان) به انتخاب دوستان و همسالانی که مقید به ارزش‌ها، هنجارها و نقش‌های اجتماعی هستند با توجه به نقش انکارناپذیر دوستان و همسالان در فرایند اجتماعی شدن، می‌تواند نقش مهمی در این زمینه ایفا کند.

۵. تلاش و کوشش والدین در جلوگیری یا کاهش درگیری‌ها، اختلاف‌ها و برخوردهای نامناسب در خانواده و داشتن روابط دوستانه و محبت‌آمیز، همراه با احترام

متقابل به یکدیگر و با فرزندان، می‌تواند از سویی موجب افزایش دلبستگی و تعلق نوجوانان و جوانان به خانواده، ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر آن شود و از سوی دیگر، خانواده را به محیطی مناسب برای آموزش مستقیم ارزش‌ها، هنجارها، نگرش‌ها و مهارت‌های زندگی و نیز ارائه الگوهای رفتاری مناسب برای فرزندان تبدیل کند و به این طریق در مقابل پدیده شکاف بین نسلی، غرب‌زدگی، غرب‌گرایی و گرایش به ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی مقاومت بیشتری داشته باشد.

منابع

- آخوندی، محمدباقر (۱۳۷۷)؛ *بررسی هویت ملی و مذهبی جوانان مشهدی و تأثیر روابط اجتماعی بر آن*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، مشهد: دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه فردوسی (منتشر نشده).
- اطیابی، امید (۱۳۸۲)؛ «بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با هنجارشکنی دختران دبیرستانی مناطق شمال و جنوب»، *مروری بر نشست‌های کارشناسی دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی*، تهران: اداره کل دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی.
- افتخاری، اصغر و علی‌اکبر کمالی (۱۳۷۷)؛ *رویکرد دینی در تهاجم فرهنگی*، چاپ اول، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، گروه انتشارات.
- امام خمینی (۱۳۸۲)؛ *کلمات قصار - پندها و حکمت‌ها*، تهران: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- انتظار، علی (۱۳۶۹)؛ «بررسی رابطه نگرش به غرب با تعلقات و گرایش‌های ساختی»، *پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد*، تهران: دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).
- ایزدفر، داریوش (۱۳۸۰)؛ «مقایسه رشد اجتماعی و ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان فاقد پدر (شاهد و ایتم) با دانش‌آموزان دارای پدر در دبیرستان‌های شهرکرد»، *پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد*، اصفهان: دانشگاه اصفهان (منتشر نشده).
- بندورا، البرت (۱۳۷۲)؛ *نظریه یادگیری اجتماعی*، مترجم: مرحوم فرهاد ماهر، تهران: راهگشا.
- توسلی، غلام‌عباس (۱۳۸۰)؛ *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران: انتشارات سمت.
- تیموری، کاوه (۱۳۷۹)؛ «بررسی نظام ارزش‌های نوجوانان شهر تهران»، *فرهنگ عمومی*، شماره ۱۹-۱۸، تهران: اداره کل دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی، صص ۶۶-۵۳.
- جاودانی شاهدین، حمید (۱۳۸۷)؛ *درآمدی بر شناخت ابعاد تهاجم فرهنگی و نحوه مقابله با آن*، نشریه حوزه و دانشگاه، شماره ۳۵، برگرفته از سایت:
- <http://www.parsianforum.com/archive/index.php/t-38673.html>
- حبیبی‌نیا، مژگان (۱۳۷۴)؛ «بررسی فراوانی افسردگی در فرزندان شاهد در مقایسه با سایر همسالان»، *پایان‌نامه دکتری*، یزد: دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد (منتشر نشده).
- حسن‌پور، حسن (۱۳۷۵)؛ «علل گرایش نوجوانان به مظاهر فرهنگ غرب در استان اردبیل»، *پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد*، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی (منتشر نشده).

- دهقان، مرضیه و واحدی، شهرام (۱۳۸۶)؛ *بررسی عوامل روانی - اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر نگرش‌های اخلاقی و اجتماعی و شیوه‌های تعمیق آن در بین نوجوانان و زنان شهرستان ارومیه*، ارومیه: استانداری آذربایجان غربی.
- دواس، دی‌ای (۱۳۷۶)؛ *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، مترجم: هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸)؛ «تغییر ارزش‌ها در آینه سینما و مطبوعات»، *نامه پژوهش*، سال چهارم، شماره ۱۵-۱۴، پاییز و زمستان، تهران: صص ۲۹-۵.
- رنج‌بازو، کریم (۱۳۸۲)؛ *نگرش‌های اخلاقی و اجتماعی و راه‌های تعمیق و تقویت آن در بین مردم ۴۰-۱۵ سال*، ارومیه: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان غربی.
- روشن، رسول (۱۳۶۹)؛ «بررسی مقایسه‌ای میزان شیوع افسردگی و اضطراب در دانشجویان شاهد و غیرشاهد در سطح دانشگاه‌های شهر تهران»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، تهران: دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).
- زکی، محمدعلی (۱۳۸۸)؛ بیگانگی اجتماعی جوانان (مطالعه موردی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه اصفهان)، *مجله پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه*، ش ۳، پاییز و زمستان، صص ۵۱-۲۵.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)؛ درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سبحانی‌جو، حیاتعلی (۱۳۸۹)؛ محبوب‌ترین و مقبول‌ترین الگوی رفتاری، *مجله اینترنتی علوم اجتماعی فصل نو*، س ۵، ش ۵۴، برگرفته از:
- http://www.fasleno.com/archives/applied_research/000788.php
- ستوده، هدایت‌اله (۱۳۷۲)؛ *مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران: انتشارات آوای نور.
- سعادت، عبدالمجید (۱۳۷۵)؛ سلسله‌مراتب ارزش‌ها نزد نوجوانان قوچان، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، تهران: دانشکده علوم اجتماعی - دانشگاه علامه طباطبایی (منتشر نشده).
- صباغ‌پور، علی‌اصغر (۱۳۷۳)؛ «بررسی نگرش‌های سیاسی مذهبی ذکور تهرانی (۱۷ تا ۲۲ سال) و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی*، تهران: دانشکده علوم انسانی - دانشگاه تربیت مدرس، (منتشر نشده).
- طالبی، ابوتراب (۱۳۷۸)؛ «بیگانگی ارزشی جوانان»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادی معاونت پژوهش و آموزشی وزارت ارشاد اسلامی، س ۴، ش ۱۴ و ۱۵، صص ۲۲۸-۱۹۹.
- طالبی، سکینه (۱۳۷۸)؛ «تحول هویت ملی دانش‌آموزان دختر دوره‌های تحصیلی ابتدایی و راهنمایی و متوسطه شهر تهران»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش*، تهران: دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).
- عالی، کاظم (۱۳۷۶)؛ «بحران‌های شخصیت نوجوانان و نقش مدرسه در حل آن»، *خلاصه مقالات همایش علمی کاربردی مسائل نوجوانان*، ارومیه: آموزش و پرورش ناحیه ۱، ص ۱۵.
- عباسی، خیام و ایمان، محمدتقی (۱۳۸۶)؛ «تبیین جامعه‌شناختی گرایش نوجوانان به فرهنگ غربی (مطالعه موردی: دانش‌آموزان ناحیه یک شیراز)»، *جوانان و مناسبات نسلی*، ش ۱، بهار و تابستان، صص ۱۴۰-۱۱۱.
- قدیمی، مهدی (۱۳۸۶)؛ «بررسی میزان اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های زنجان»، *پژوهشنامه علوم انسانی*، فصلنامه ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، ش ۵۳، صص ۳۵۰-۳۲۵.
- قنبری، محمد (۱۳۷۶)؛ «بررسی میزان ازخودبیگانگی، عوامل مؤثر بر آن در بین دانش‌آموزان پسر»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی (منتشر نشده).